

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نشریه پیشرو منتشره افغانستان - شماره ۳۸

۲۳ می ۲۰۱۱

## افغانستان در محراق سیاست خارجی امریکا

ایالات متحده امریکا در حال حاضر در هیچ جای دنیا به اندازه افغانستان، سلاح و نیروی نظامی متمرکز نکرده، این قدر تلفات نظامی نداشته و به این پیمانہ پول باد نمی کند. جهت کمک به این تهاجم، در تاجکستان، قرغیزستان، ازبکستان (بعد از مدتی اخراج شدند)، ترکمنستان، پاکستان و بحر هند نیروی زیادی متمرکز ساخته و راه های متعدد لجستیکی را در اختیار گرفته است، تمام اعضای ناتو را به جنگ در افغانستان طلبیده و با هر کشوری که رابطه نزدیک دارد، از او عسکر و یا پول خواسته و به این صورت بخشی از جهان را در این جنگ شریک ساخته است.

این همه تلاش امریکا برای تسلط بر افغانستان که با شعارهای «قانونمداری»، «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «جامعه مدنی» همراه است (که خود ناقض تمام آنهاست) نه به خاطر رفاه و ترقی مردم افغانستان که به خاطر تسلط بر بخشی از آسیا، شکستن استخوان های رقبایش چون چین، روسیه و به طور عاجل ایران و شکم انداختن بر منابع سرشار زیر زمینی (۵۰۰ تریلیون دالری) خود افغانستان می باشد. امریکا سالانه ۴۵ میلیارد دلار در جنگ افغانستان مصرف دارد و مصرف سالانه هر سرباز امریکائی در افغانستان یک میلیون دلار است. در افغانستان سالانه به ارزش ۶۵ میلیارد دلار (محققان مشهوری این ارزش را ۴۰۰ میلیارد دلار گفته اند) تریاک تولید و پروسس می گردد، اما با تمام این پول های کلان و سرشار ۶۰ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر قرار دارند، ۷۰ درصد با بحران غذایی رو به رو اند و ۵۰ درصد نیروی کار افغانستان بیکار اند که یا به خارج فرار می کنند، یا به طالبان می پیوندند، یا به نیروهای امنیتی دولت افغانستان ثبت نام می کنند، یا اربکی و یا به کمپنی های امنیتی خصوصی می روند و یا به کارهای لومپنی (رهگیری، دهاره بازی، دزدی، تن فروشی، گدائی، پخش مواد مخدر، اعتیاد...) رو می آورند. دره تفاوت های طبقاتی میان ستمگر و ستمکش در افغانستان بسیار فراخ شده که چهار درصد، بیش از ۸۰ درصد سرمایه و ثروت را در اختیار دارند و ۹۶ درصد فقط ۲۰ درصد ثروت و سرمایه را در دست دارند. این اصل در تمام کشور هائی با نظام های سرمایه داری و یا رو به سرمایه داری اداره می شود و اصل بازار آزاد و محترم شناختن مالکیت خصوصی در آنها به اجراء در می آید.

افغانستان از درک چنین جنگ و تهاجمی به این وضعیت گرفتار شده و ممکن نیست مردم آن به زودی بهروزی و خوشبختی را ببینند. امریکا هرگز با این همه منافع به اینجا نیامده که به این زودی و آسانی بار و بنه بر بندد و افغانستان را رها کند. امریکا تا حال سه دهه ستراتیژیک را در افغانستان پشت سر گذاشته (دهه اول از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ که شوروی در افغانستان شکست خورد و از هم فرو پاشید، دهه دوم از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ که استخوان های شوروی، پیمان ورشو و دولت های اروپای شرقی را خرد و خمیر کرد و در افغانستان، جنایات جهادی ها و طالبان بستر نرمی برای تهاجم امریکا به افغانستان را مساعد ساخت، دهه سوم از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ که مرحله تهاجم امریکا، متحدان آن و پیمان ناتو به افغانستان بود و بالاخره مرحله چهارم از ۲۰۱۱ به بعد که مرحله استقرار دایمی امریکا با پایگاه های دایمی در خاک افغانستان) است. مرحله چهارم با کنفرانس لیبیون در ۲۰۱۰ آغاز گردید.

در این مرحله قرار است تا ۲۰۱۴ مسؤولیت امنیت به دولت افغانستان سپرده شود. در کنار جنگسالاران، مدیران تکنوکرات بیشتر وارد حاکمیت گردند، اردوی دولت مسلح تر و آموزش دیده تر گردد (امکان عملی شدن پروسه جلب و احضار برای کاهش مصارف آغاز خواهد شد، پولیس آماده تر خواهد گشت، با بخشی از طالبان مصالحه صورت خواهد گرفت (امکان مطرح شدن رسمیت خط دیورند برای به دست آوردن دل پاکستان نیز در این دوره متصور است)، صلاحیت های دولت در زمینه طرح های سیاسی و مصارف اقتصادی بیشتر خواهد گشت، اکثریت کشورهای عضو پیمان ناتو افغانستان را ترک خواهندگفت (احتمال مأموریت بعدی ناتو در لیبیا و یا یمن متصور است)، اپوزیسیون متشکلتر به وجود خواهد آمد، «کمک» ها برای دولت افغانستان کاهش خواهد یافت و غارت و چپاول معادن افغانستان (به ارزش ۵۰۰ تریلیون دالر) آغاز خواهد شد و هر آنچه امریکائی ها و متحدانش در افغانستان به مصرف رسانده نیز از این حساب گرفته خواهد شد، بخش های استخباراتی دولت افغانستان با امنیت ملی و شاخه های جدیدی تقویت خواهد شد { امریکا ۱۷ شبکه استخباراتی ملی و ۳۰۰۰ شبکه استخباراتی ایالتی داشته که تنها اف بی آی ۳۵ هزار کارکن مسلح و غیر مسلح دارد}، «آزادی» های بیان محدود خواهند شد و بخشی از رسانه ها مسدود و رسانه های جدیدی به جای شان ایجاد خواهد گشت، پروسه رسمی ۷ پایگاه امریکا (کابل، مزار، قلات، کندهار، هلمند، نیمروز و شیندند) از طریق تأیید رئیس جمهور، وزیر خارجه، پارلمان و لویه جرگه به تصویب خواهد رسید و امریکا با این همه با نیروی ۵۰ تا ۷۰ هزار نفری در این پایگاه ها استقرار خواهد یافت و بحران های داخل بیشتر به بیرون کشانده خواهد شد و افغانستان به پشت جبهه این بحران ها مبدل خواهد گشت و امریکا به مدیریت آنها خواهد پرداخت.

تغییراتی که اخیراً اوباما در ادارات عالی نظامی و استخباراتی آن کشور اعلان کرد، بیشتر بر محور سیاست های امریکا و ادامه آن می چرخد. امریکا با این تغییرات تصمیم دارد تا وضعیت را به نفع کارهای استخباراتی تغییر دهد و با این تغییرات روشن می شود که افغانستان چقدر در محراق این سیاست ها قرار دارد. تحویلی بخشی از مسؤولیت های سیاسی، امنیتی و اقتصادی به دولت افغانستان، ضرورت بیشتر به کار استخباراتی و کمتر به کار نظامی دارد که با تغییراتی که در بالا از روی قرینه ها، سمت و سوی سیاست های امریکا در افغانستان و تجارب سیاست های امریکا در مناطق دیگر به دست آمده، نشان می دهد که در هر دوره از سیاست ها تغییراتی در تعادل و یا عدم تعادل کار نظامی و استخباراتی به میان می آید. وقتی در ۱۹۸۶ شوروی ها تصمیم به خروج از افغانستان گرفتند، بیشتر به کار و کادرهای استخباراتی در افغانستان پناه بردند و نجیب راکه رئیس شبکه جاسوسی خاد بود، به ریاست جمهوری رساندند، با این تفاوت که در آن وقت شوروی ها برای خروج از زخم خونچکان افغانستان این کار را می کردند، اما امریکائی ها که در وضعیت شوروی های ۱۹۸۶ قرار ندارند، این تغییرات را برای استقرار

دایمی خود به وجود می آورند و مطمئناً که بعد از ۲۰۱۴ که دوران ریاست جمهوری کرزی به پایان می رسد، به جای او نیز چنین فرد مطمئنی را بر قدرت سوار خواهند کرد.

تعیین لئون پانتا رئیس سازمان سیا به جای رابرت گیتس وزیر دفاع و تعیین دیوید پترئوس به جای لئون پانتا، نشان می دهد که یک پست نظامی به فرد استخباراتی داده می شود و یک نظامی ۴ ستاره به پست استخباراتی سوار می شود. عوض ستر جنرال پترئوس در افغانستان، یک دگر جنرال (جان الن که یک ستاره کم دارد) مقرر می شود و به جای جنرال متقاعد آیکن بری یک دیپلمات کار کشته که در این منطقه و در خود افغانستان کار کرده (رایان کراکری) به کابل می آید. تمام این تغییرات که تغییرات مهمی در رده های بالای قدرت در امریکا می باشد، در پیوند با افغانستان قرار دارد که نشان می دهد، افغانستان چه تاثیری بر روند سیاست گذاری های کاخ سفید دارد و این نشان می دهد که امریکا هنوز گفتنی های بسیاری در درازمدت با افغانستان دارد.